

بیمارستان روانپزشکی رازی در گذر تاریخ

دکتر جعفر باباپور^(۱)، دکتر محمدرضا خدایی^(۲)، دکتر آرش میرابزاده^(۳)

چکیده

ایرانیان در ایجاد و اداره بیمارستان‌ها پیشرو ملت‌های متمدن بوده‌اند و در واقع بیمارستان در عالم اسلام و جهان پیشرفته از طریق ایران شناخته شده است. در نمونه‌هایی از این مراکز که عناوین «بیمارستان»، «دیوانه‌ستان»، «مارستان»، «دارالمجانین» و «تیمارستان» به خود گرفته بودند، بیماران روانی نگهداری می‌شدند و تحت درمان قرار می‌گرفتند. اسناد و شواهد تاریخی بیانگر برخورداری حداقلی این مراکز از امکانات در مقایسه با سایر مؤسسات درمانی است. در دوره معاصر، وقوع اتفاقات تلخ و ناگوار گوناگون در گوشه و کنار شهر تهران توسط بیماران روانی، منجر به تأسیس اولین بیمارستان روانپزشکی با نام «دارالمجانین» در باغ اکبرآباد واقع در خیابان سینا گردید. بدین ترتیب بیماران پس از جمع‌آوری از سطح شهر، در اطاقک‌های بسیار کوچک و در وضعیتی نامساعد نگهداری می‌شدند. به دنبال تأسیس دانشکده پزشکی و ایجاد کرسی بیماری‌های روانی در سال ۱۳۱۹ در دانشگاه تهران، کار آموزش دانشجویان نیز در این مؤسسه صورت می‌گرفت. شهرداری در سال ۱۳۲۴ باغ روزه (محل کنونی بیمارستان روزه) را نیز جهت توسعه دارالمجانین به مکانی برای نگهداری بیماران روانی اختصاص داد و این دو مکان یعنی باغ اکبرآباد و باغ روزه تا سال ۱۳۲۸ یعنی زمان انتقال آنها به امین‌آباد، به فعالیت خود ادامه دادند. پس از انتقال به امین‌آباد، اقدامات زیادی در جهت توسعه بیمارستان و ارائه خدمات نوین روانپزشکی از جمله توان‌بخشی بیماران روانی صورت پذیرفت. در سال ۱۳۴۰ در جهت ایجاد تغییر نگرش مردم به بیماری‌های روانی، نام دارالمجانین و تیمارستان به «بیمارستان روانپزشکی رازی» تغییر یافت. تا زمان تأسیس وزارت بهداشت و بهزیستی در سال ۱۳۵۵، این مرکز به صورت پیوسته به جز چند ماه زیرمجموعه اداره شهربانی یا شهرداری بوده است. از سال ۱۳۷۳ پس از تشکیل وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و همچنین دانشگاه علوم بهزیستی و توان‌بخشی، این بیمارستان به عنوان زیرمجموعه دانشگاه به بسط و گسترش خدمات متنوع درمانی و توان‌بخشی پرداخت و از سال ۱۳۷۶ با استقرار گروه روانپزشکی دانشگاه در بیمارستان، فعالیت‌های آموزشی، درمانی و پژوهشی در حوزه روانپزشکی به شکل جدیدی ارائه می‌گردد.

کلیدواژه: دارالمجانین؛ تیمارستان؛ بیمارستان؛ تاریخ؛ روانپزشکی؛ رازی

[دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۶/۳؛ پذیرش مقاله: ۱۳۹۳/۶/۲۰]

ساسانی دایر شد. آوازه و شهرت این بیمارستان و پزشکان آن، چنان بود که در سال ۱۴۸ هجری قمری، برای مداوای منصور خلیفه عباسی پزشکانی را از جندی شاپور به بغداد احضار نمودند. علم پزشکی نیز در جهان اسلام از جندی شاپور نشأت گرفته است. طبق گزارشات نقل شده، پزشکان این شهر به غیر از خود، کسی را سزاوار پزشکی نمی‌دانستند و مسلمانان نیز غالباً بر این باور تأکید داشتند^(۱).

سابقه تاریخی بیمارستان‌های روانپزشکی و بیماران روانی در ایران
ایرانیان در ایجاد و اداره بیمارستان‌ها پیشرو ملت‌های متمدن بوده‌اند و در واقع بیمارستان در عالم اسلام و جهان پیشرفته از طریق ایران شناخته شده است. در جستجو برای یافتن رد پای بیمارستان در ایران قبل از اسلام، با دانشگاه و بیمارستان جندی شاپور مواجه می‌شویم که در حدود سال ۳۰۰ میلادی و پس از تأسیس شهر جندی شاپور توسط شاپور اول

^(۱) دکترای داروسازی، دستیار مدیریت و اقتصاد دارو، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی؛ ^(۲) روانپزشک، دانشیار دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت و گروه روانپزشکی؛ ^(۳) روانپزشک، استاد دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی. مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت و گروه روانپزشکی. بیمارستان روانپزشکی رازی، تهران، ولنجک، خیابان کودکان، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، گروه روانپزشکی. دونگار: ۱۳۱-۲۲۱۸۰-۰۲۱ (نویسنده مسئول) E-mail: aramirab@gmail.com

یا «دارالمجانین» می‌نامیدند. نقل شده است که در مورد بیماران خشمگین یا گاهی پرخاشگر و خطرناک موضوع متفاوت بوده است و آنها را در زیرزمین بیمارستان و یا احیاناً خانه، به بند کشیده و سپس بسته به مورد، به درمان آنها می‌پرداختند و گاهی نیز آنها را کتک می‌زدند و شکنجه می‌کردند تا «دیوانگی» را فراموش کنند! (۳).

در کتاب تاریخ اجتماعی شهر تهران، شاید به طنز اشاره شده است که: «تیمارستان یا دارالمجانین محلی بود که در حکومت رضا شاه به وجود آمد جهت معالجه و حفظ و حراست دیوانگان، لکن در باطن به خاطر راحت شدن از دست با سوادها و چیز فهم‌ها و فضول‌باشی‌ها و پرگوها و مخالفان و زبان‌درازاها و امثال آن که کم و بیش و بنا به مصلحت، دیوانگانی هم به آن راه داده می‌شدند» (۵).

عوامل زمینه‌ساز تفکر راه‌اندازی مراکز نگهداری و درمان بیماران روانی در عصر حاضر، اتفاقات تلخ و ناگوار گوناگونی بود که در گوشه و کنار کشور رخ می‌داد. به عنوان مثال، در حوالی سال ۱۲۹۳ مادری به دست فرزند بیمارش به قتل رسید و یا چندی بعد، بیمار روانی دیگری اشراف‌زاده‌ای را با تبر به قتل رساند. بر اثر این پیش آمدها، شهربانی وقت به فکر جمع‌آوری این بیماران از سطح شهر افتاد و در نتیجه در همان سال در بیمارستان دولتی (بیمارستان سینای کنونی) در طول دالانی تنگ و تاریک، چهار اطاق بسیار کوچک با در و پنجره آهنی ساختند و چند نفر از این بیماران ناآرام را در آن مکان جای دادند. وقوع این حوادث، مقامات مربوط را بر آن داشت که برای جلوگیری از رویدادهای مشابه، نگهداری این بیماران را به شهربانی بسپارند (۶).

دکتر حسین رضاعی (متوفی ۱۳۷۲ شمسی) و دکتر عبدالحسین میرسپاسی (متوفی ۱۳۵۵ شمسی) اولین فارغ‌التحصیلان ایرانی روانپزشکی (به ترتیب در سال‌های ۱۳۱۶ و ۱۳۱۷)، برای انتخاب واژه مناسبی به زبان فارسی در مقابل اصطلاح فرانسوی «Psychiatrie» و به ویژه به منظور جایگزین کردن واژه‌هایی به جای لغت‌های متداول دیوانگی، جنون، اختلال مشاعر و اختلال حواس در آن زمان، مدت‌ها با یکدیگر بحث و گفت‌وگو می‌کردند و واژه‌هایی مانند «بیماری‌های دماغی»، «بیماری‌های روحی» و حتی «روح‌پزشکی» را که کم و بیش در آن زمان مورد استفاده قرار می‌گرفت، مورد پسند این روانپزشکان جوان ایرانی نبود. در نهایت، واژه «روانپزشکی» توسط دکتر عبدالحسین میرسپاسی

از زمان‌های دور، مکان‌هایی هم به صورت مستقل و هم وابسته به یک بیمارستان عمومی به منظور نگهداری از بیماران روانی، اختصاص داده شده بود. این اماکن را عموماً «بیمارستان»، «دیوانه‌ستان»، «مارستان»، «دارالمجانین» یا «تیمارستان» می‌نامیدند. مکان‌های مزبور تنها به منظور حفظ بیماران و اطرافیان از مخاطرات احتمالی که ممکن بود از جانب بیمار متوجه خود یا دیگران شود مورد استفاده قرار نمی‌گرفت، بلکه در هر زمانی درمان متعارف و مرسوم نیز اعمال می‌شده است. در هر تیمارستان یا بیمارستان مسؤول، متصدی، محافظ و کلیددار به فعالیت مشغول بوده است. متصدی آن نیز به احتمال قوی با دانش پزشکی روز و علم داروشناسی معاصر آشنایی داشته است. رها ساختن بیمار از بند و یا مرخص کردن او از بیمارستان هم با صلاحدید مسؤول بیمارستان انجام می‌گرفت (۲).

از بین دانشمندان و پزشکان قدیم ایرانی که در تعدادی از بیمارستان‌ها به طبابت مشغول بودند، محمد بن زکریای رازی (متوفی ۳۱۳ قمری) در کتاب الحاوی، علی بن عباس مجوسی اهوازی (متوفی ۳۸۴ قمری) در کتاب کامل الصناعه الطبیه، و یعقوب کشکری (متوفی نیمه دوم قرن چهارم) در کتاب الکناش فی الطب، در مورد بیماری‌های روانی و عصبی و درمان مبتلایان به آن که اصطلاحاً آنها را مالیخولیایی (ملانکولی) و سوداوی می‌نامیدند، به تفصیل سخن به میان آورده‌اند. در این میان، ابوبکر بن ربیع ابن احمد اخوینی بخارایی (متوفی حدود ۳۷۰ قمری) مؤلف کتاب هدایه المتعلمین فی الطب، به میزانی در امراض روانی و درمان جنون تخصص داشت که او را بچشک دیوانگان (پزشک دیوانگان) نامیده بودند. ابوعلی سینا (متوفی ۴۲۸ قمری) علاوه بر بحث مفصل درباره بیماری‌های مغز و اعصاب، به تفصیل در مورد در هم شدن حافظه و پریشان‌گویی، زوال عقل و حماقت، فراموشکاری، تباهی پندار و مالیخولیا در کتاب سوم قانون سخن رانده است (۳). همچنین سید اسماعیل جرجانی (گرگانی) (متوفی ۵۳۱ قمری) مؤلف منبع عظیم طب فارسی یعنی ذخیره خوارزمشاهی نیز انواع مختلف مالیخولیا را شرح داده و برای درمان آن محیط آرام، زیبا و خوش‌بو و داروهای مختلف خواب‌آور و آرام‌بخش را تجویز می‌کرده است (۴).

در گذشته، بیماران روانی را در اتاق‌هایی مجزا در تیمارستان نگهداری می‌کردند و به درمان آنها می‌پرداختند. با توجه به این که در این بیمارستان‌ها به جز بیماران روانی، بیمار دیگری بستری نمی‌شد، آن مکان‌ها را به عنوان «دیوانه‌خانه»

پیشنهاد شد که مورد استقبال سایر پزشکان این حوزه نیز قرار گرفت. این واژه عنوان کتاب تألیفی شادروان دکتر میرسپاسی در سال ۱۳۳۰ نیز قرار گرفت. لازم به ذکر است پیش از این تاریخ، استفاده از کلمه «روان» در زبان علمی توسط مرحوم دکتر علی اکبر سیاسی (متوفی ۱۳۶۹ شمسی) صورت گرفته بود. ایشان در کتابی که در سال ۱۳۱۷ انتشار یافته است، کلمه «روان» را جانشین کلمه «نفس» کرده است و لغت «روانشناسی» را در مقابل «علم النفس» به زبان عربی و «psychological» به زبان فرانسه آورده است (۲).

بدین ترتیب تا پاییز سال ۱۳۴۰، که نام «بنگاه بیمارستان» به شکل رسمی به مرکز روانپزشکی رازی تغییر یافت، کم و بیش از اصطلاحات پیش گفته، به جای بیمارستان و بیماران روانی استفاده می شد ولی پس از این تاریخ نه تنها کاربرد آنها محدود گردید، بلکه در بسیاری از موارد به کار گرفتن این لغات چه در جامعه علمی و چه در مجامع عمومی مذموم تلقی شد.

تأسیس اولین بیمارستان روانپزشکی با نام «دارالمجانین» در باغ اکبر آباد

در سال ۱۲۹۷ قطعه باغی به وسعت چهار هزار متر مربع واقع در اکبر آباد (خیابان سینی کنونی، محله ای نزدیک بیمارستان روزبه) که در اختیار دولت قرار داشت با تلاش های رئیس شهربانی وقت که در صدد تهیه محلی برای نگهداری بیماران روانی بود، به «دارالمجانین» اختصاص یافت و بدین ترتیب این بیماران از بیمارستان دولتی به آنجا منتقل گردیدند و در اتاقک های کوچکی شبیه سلول یا زندان در ساختمان های قدیمی نگهداری می شدند. کار مراقبت و پرستاری از بیماران در آن زمان توسط آجان یا پاسبان صورت می گرفت. در سال اول برای تأمین خوراک چهل و دو بیماری که در آنجا نگهداری می شدند، روزانه مبلغ چهارده تومان به طور مقطوعه اختصاص داده شده بود. نظافت بیماران به واسطه نبود حمام و سلمانی و رخت شویی در عمل وجود نداشت. آنها را روزها با غل و زنجیر در محوطه آفتاب گیر می بستند و شب ها نیز در سلول های قفل شده زندانی می کردند. سیاهی صورت بیماران به واسطه سوختگی آفتاب همراه با موهای بلند سر و صورت، ظاهری ترسناک را از این بندگان خدا به نمایش می گذاشت که عموماً ایجاد رعب و وحشت می نمود (۶).

متعاقب بازدید هیأت وزرا از «بیمارستان» و مشاهده نابسامانی های آن در سال ۱۳۰۰، مقرر گردید پس از تحویل

بیمارستان به شهرداری، نسبت به توسعه آن اقدام گردد. در آن زمان با مساعدت های شهرداری تهران، به تدریج پیشرفت های جزئی نمایان شد. انتصاب یک مدیر به همراه یک ناظم و استخدام تعدادی پرستار همراه با اقدامات مناسب جهت تهیه لباس کامل برای بیماران و تخصیص مخارج حمام و سلمانی و رخت شویی شروعی امیدبخش برای برخورد مناسب تر با بیماران روانی بود. به تدریج داروخانه هم در بیمارستان تأسیس گردید و چند پزشک یار نیز استخدام شدند. با توجه به افزایش بیماران و کمبود جا، به منظور توسعه بیمارستان و خدمت رسانی، چندین خانه در اطراف محل فوق، خریداری و اجاره شد و به بیمارستان اضافه گردید. به مرور زمان، تهیه تختخواب های چوبی و آهنی همراه با پتو و ملحفه و ساخت آشپزخانه، حمام، رخت شوی خانه و تدارک سیم کشی برای چراغ های برقی در دستور کار قرار گرفت (۶).

در سال های ۱۳۱۷ تا ۱۳۱۹ به دنبال توجه خاص اولیاء امور، پیشرفت های زیادی در ارائه خدمت به بیماران حاصل شد، به طوری که در بیمارستان، دیگر خبری از سلول های تنگ و تاریک نبود و به جای آن، اتاق های روشن و بزرگ ساخته شده بود. اهتمام مسؤولان وقت شهرداری در اصلاح اوضاع بیمارستان بدان حد بود که مقرر شده بود بیمارستان دارای قسمت های متنوع و مختلف برای همه انواع بیماران روانی باشد و کل مجموعه توسط پزشک متخصص روانپزشکی اداره شود. معهداً این امر به واسطه انتقال مؤسسه بهداری شهرداری به وزارت فرهنگ تا سال ۱۳۱۹ محقق نگردید. از بدو تأسیس بیمارستان در سال ۱۲۹۷، دکتر «لقمان السلطان پزشکان» به سمت رئیس و پزشک بیمارستان برگزیده شد و تا تاریخ بازنشستگی در سال ۱۳۱۹ به طور متوالی و بدون انقطاع در این سمت انجام وظیفه می کرد (۶).

تا سال ۱۳۱۹ در تشکیلات نوین دانشکده پزشکی تهران که پروفیسور اوبرلین پایه ریزی کرده بود، بخش روانی و آموزش رشته روانپزشکی وجود نداشت. در این سال کرسی روانی، به ریاست دکتر حسین رضاعی ایجاد گردید و آموزش بالینی روانی در بیمارستان تهران شروع به فعالیت کرد. اگرچه اداره بیمارستان برای چند ماه در اختیار دانشکده قرار گرفت، پس از مدتی به علت نواقص زیاد و تشخیص «غیر قابل اصلاح»، اداره بیمارستان مجدداً به شهرداری واگذار گردید، ولی امر آموزش در آن متوقف نشد و هم چنان ادامه پیدا کرد. در آن زمان برای ریاست بیمارستان، آقای دکتر عبدالحسین میرسپاسی انتخاب شد (۷).

پیشنهاد شد که مورد استقبال سایر پزشکان این حوزه نیز قرار گرفت. این واژه عنوان کتاب تألیفی شادروان دکتر میرسپاسی در سال ۱۳۳۰ نیز قرار گرفت. لازم به ذکر است پیش از این تاریخ، استفاده از کلمه «روان» در زبان علمی توسط مرحوم دکتر علی اکبر سیاسی (متوفی ۱۳۶۹ شمسی) صورت گرفته بود. ایشان در کتابی که در سال ۱۳۱۷ انتشار یافته است، کلمه «روان» را جانشین کلمه «نفس» کرده است و لغت «روانشناسی» را در مقابل «علم النفس» به زبان عربی و «psychological» به زبان فرانسه آورده است (۲).

بدین ترتیب تا پاییز سال ۱۳۴۰، که نام «بنگاه بیمارستان» به شکل رسمی به مرکز روانپزشکی رازی تغییر یافت، کم و بیش از اصطلاحات پیش گفته، به جای بیمارستان و بیماران روانی استفاده می شد ولی پس از این تاریخ نه تنها کاربرد آنها محدود گردید، بلکه در بسیاری از موارد به کار گرفتن این لغات چه در جامعه علمی و چه در مجامع عمومی مذموم تلقی شد.

تأسیس اولین بیمارستان روانپزشکی با نام «دارالمجانین» در باغ اکبر آباد

در سال ۱۲۹۷ قطعه باغی به وسعت چهار هزار متر مربع واقع در اکبر آباد (خیابان سینی کنونی، محله ای نزدیک بیمارستان روزبه) که در اختیار دولت قرار داشت با تلاش های رئیس شهربانی وقت که در صدد تهیه محلی برای نگهداری بیماران روانی بود، به «دارالمجانین» اختصاص یافت و بدین ترتیب این بیماران از بیمارستان دولتی به آنجا منتقل گردیدند و در اتاقک های کوچکی شبیه سلول یا زندان در ساختمان های قدیمی نگهداری می شدند. کار مراقبت و پرستاری از بیماران در آن زمان توسط آجان یا پاسبان صورت می گرفت. در سال اول برای تأمین خوراک چهل و دو بیماری که در آنجا نگهداری می شدند، روزانه مبلغ چهارده تومان به طور مقطوعه اختصاص داده شده بود. نظافت بیماران به واسطه نبود حمام و سلمانی و رخت شویی در عمل وجود نداشت. آنها را روزها با غل و زنجیر در محوطه آفتاب گیر می بستند و شب ها نیز در سلول های قفل شده زندانی می کردند. سیاهی صورت بیماران به واسطه سوختگی آفتاب همراه با موهای بلند سر و صورت، ظاهری ترسناک را از این بندگان خدا به نمایش می گذاشت که عموماً ایجاد رعب و وحشت می نمود (۶).

متعاقب بازدید هیأت وزرا از «بیمارستان» و مشاهده نابسامانی های آن در سال ۱۳۰۰، مقرر گردید پس از تحویل

سرگرمی و اشتغال بیماران بنا گردید. این مکان «تیمارستان روزبه» یا «تیمارستان مرکزی» خوانده شد و تیمارستان قدیمی را که در خیابان سینا قرار داشت، به پاس خدمات ارزنده و نوع دوستانه دکتر لقمان‌السلطان پزشکان، «بخش پزشکان» نامیدند. این دو قسمت تا سال ۱۳۳۸ یعنی زمان انتقال تیمارستان به امین آباد، به فعالیت خود ادامه داد(۷).

با وجود تمام تلاش‌هایی که برای اصلاح امور مرتبط با بهداشت روانی و علمی کردن فعالیت‌های مرتبط با نگهداری، درمان و آموزش بیماران روانی و روانپزشکی از بدو تأسیس تیمارستان تا آن زمان صورت گرفته بود، پروفیسور کروس، مشاور بهداشت روانی در سازمان جهانی بهداشت، تیمارستان را چنان لکه‌ای بر دامان کشور گزارش کرده بود(۸).

انتقال «تیمارستان تهران» به امین آباد و تغییر نام آن

یکی از عمده‌ترین مشکلات تیمارستان از بدو تأسیس آن، مشکل کمبود جا برای نگهداری بیماران بود. به منظور جلوگیری از تراکم و ازدحام و «تل انبار شدن» بیماران، مسئولین وقت همواره به دنبال آن بوده‌اند که حداقل برای «بیماران مزمن و غیر قابل علاج» در نقطه‌ای خوش آب و هوا و در پارکی وسیع و با فضای فیزیکی کافی و در عین حال نزدیک شهر، «تیمارستانی فراخور حال و با آخرین اسلوب» دایر نمایند(۶). بدین منظور، هر چند اماکن متعددی مورد بررسی و مطالعه قرار گرفت، هر بار به علل گوناگون، از جمله اهمال مسؤولان، طول کشیدن مکاتبات و یا پیش‌دستی سایر ارگان‌ها، مکان مورد نظر به دیگران واگذار گردید. از جمله اماکن در نظر گرفته شده که به همین سرنوشت دچار شد می‌توان به دهستان یوسف آباد، قصر فرح آباد، دوشان‌تپه و چندین مکان دیگر در اطراف کرج اشاره نمود. این تلاش‌ها توسط دکتر احمد نظام (متوفی ۱۳۷۲ شمسی)، که از سال ۱۳۲۹ تا ۱۳۴۹ پیوسته مسؤولیت اداره تیمارستان را عهده‌دار بود، ادامه پیدا کرد تا این که در سال ۱۳۳۶ سرانجام شهرداری تهران، محل سابق نگهداری متکدیان و معلولان شهر (محل گداها و ولگردها: گداخانه) را که در امین آباد ورامین قرار داشت برای این منظور پیشنهاد نمود. با این که مکان مزبور چه از لحاظ آب و هوای گرم آن ناحیه و چه از لحاظ نزدیکی به کارخانه سیمان و قرار داشتن در معرض فرود گرد و خاک، مکان مناسبی برای این منظور محسوب نمی‌شد، برای رهایی از تنگی جا در تیمارستان، این پیشنهاد مورد پذیرش قرار گرفت(۲). لازم به ذکر است که تلاش‌ها و پیگیری‌های بانو

از سال ۱۳۲۱ تا ۱۳۲۴ برای کلیه بیماران، پرونده‌های فنی و دفتری جداگانه‌ای تشکیل داده شد و روش‌های جدید معالجه اعمال گردید. در آن زمان مشکلات اداری و مالی موجود در مسیر فعالیت مؤسسات تحت امر شهرداری به واسطه تفویض استقلال مالی به آنها کاهش پیدا کرد و در همین راستا و در جهت اداره مالی تیمارستان، هیئت مدیره «بنگاه تیمارستان» از اول تیر ماه سال ۱۳۲۴ مشغول به کار شد. در واقع استقلال مالی و اداری تیمارستان، نقطه عطفی برای اصلاح امور آن تلقی گردید(۲).

گسترش «دارالمجانین» به باغ روزبه

در سال ۱۳۲۴ شهرداری تهران محل فعلی تیمارستان روزبه واقع در خیابان کارگر جنوبی (سی‌متری سابق) را به بنگاه تیمارستان واگذار نمود که باغی بود به وسعت حدود ده هزار متر مربع، پر از گل و گیاه و درختان سر به فلک کشیده. در شمال این باغ، باغ دیگری بود به همین وسعت که در وسط آن ساختمان دو طبقه کلاه فرنگی شکلی بنا شده بود که اندک زمانی پیشتر، جهت راه‌اندازی بیمارستانی به دانشگاه واگذار شده بود و دانشکده پزشکی در آن، بخش‌های اعصاب، داخلی و جراحی را افتتاح نموده بود. آن تیمارستان به افتخار نویسنده و مترجم بزرگ قرن دوم هجری، «روزبه» نامگذاری شده بود. پس از واگذاری قطعه جنوبی باغ به تیمارستان، بنگاه مزبور با انجام دادن تعمیراتی جزئی در چند اتاق موجود، مکانی برای پذیرایی از سی بیمار آماده نموده و نام «پلی کلینیک» بر آن نهاد. گرچه اقدام مزبور در نوع خود موفقیت محسوب می‌شد، ولی مشکل کم‌جایی را مرتفع نکرد و مسئله کمبود محل نگهداری و ازدیاد روزافزون بیماران هم‌چنان باقی ماند؛ به خصوص با توجه به این که بیمارانی از شهرستان‌ها ارجاع می‌شدند و تیمارستان ناگزیر از پذیرش آنها بود(۲).

در سال ۱۳۲۷ پس از انتقال بخش‌های داخلی، جراحی و اعصاب از تیمارستان روزبه قدیم (واقع در نیمه شمالی باغ بزرگ روزبه) به تیمارستان امام خمینی (ره)، دانشکده پزشکی این قطعه باغ را به شهرداری برگرداند. شهرداری هم در مقابل، نیمه جنوبی باغ روزبه را به دانشکده سپرد. در نتیجه «پلی کلینیک» وابسته به تیمارستان که در آن محل دایره شده بود به نیمه شمالی باغ منتقل شد. با این نقل و انتقال، امکان جابه‌جایی حدود صد نفر از بیماران تیمارستان به این مکان میسر شد. ساختمان‌های قدیمی نوسازی شد و سالنی برای

ستاره فرمانفرمایان که مدرسه مددکاری در آن زمان زیر نظر او اداره می‌شد، در متقاعد کردن شهرداری برای واگذاری املاک امین آباد به بیمارستان بی‌تأثیر نبود (۹).

پس از تحویل گرفتن ساختمان‌های گداخانه سابق امین آباد توسط بیمارستان، تعمیرات و تغییراتی در آنها صورت گرفت و منضمات لازم از قبیل سالن کار و اجتماعات، رخت‌شوی‌خانه مرکزی، محل اطو‌کشی، انبار، نانواپی، اطاق‌های اداری، کتابخانه و سالن کنفرانس و غیره در بیمارستان ایجاد گردید. بالاخره در سال ۱۳۳۸ بیماران هر دو قسمت پیش‌گفته بیمارستان به تدریج به این مکان منتقل شدند و در ۵۲ سالن که مجزا از یکدیگر آماده و مجهز شده بود جا گرفتند. پس از انتقال بیماران به مکان جدید، دکتر نظام با جدیت تمام و با به کارگیری مدیریت صحیح، توانست ظرف مدت دو سال نواقص ساختمانی را تا حد زیادی مرتفع سازد و بر تعداد پزشکان و پرستاران و مستخدمین بیمارستان بیفزاید و امور اداری و فنی بیمارستان را بر پایه‌ای محکم بنا نماید (۲).

پس از اقدامات مؤثر و سازنده‌ای که در جهت ارتقای خدمات روانپزشکی در این مجموعه صورت گرفت، ضروری به نظر می‌رسید که برای زدودن خطرات ناگواری که عموم مردم از بیماری‌های اعصاب و روان و بیماران روانی، به ویژه اوضاع نامناسب بیمارستان داشتند با تغییر نام آن، افکار را نسبت بدان تغییر دهند. بدین مناسبت نام «بیمارستان» به منظور تجلیل و بزرگداشت یکی از مفاخر پزشکی ایران، محمد بن زکریای رازی، که در شهر ری زیسته و بدرود حیات گفته بود و بیمارستان در موطن او قرار داشت، به «بیمارستان روانی رازی» تغییر یافت (۷). مراسم نامگذاری در یکی از روزهای پاییز سال ۱۳۴۰ با حضور متصدیان امر وزارت بهداشتی، شهرداری و دانشگاه و در جمع کارکنان بیمارستان و دوستان و همکاران دکتر نظام صورت گرفت (۲).

در سال ۱۳۴۳ به منظور رفع نواقص پرستاری بیمارستان، آموزشگاه بهیاری روانی به سرپرستی یکی از مربیان سازمان جهانی بهداشت (خانم مک ایوان) در بیمارستان تأسیس گردید. همچنین در این زمان اشتغال بیماران در کارگاه‌های بیمارستان علاوه بر داشتن اثرات درمانی، برخی از احتیاجات بیمارستان را نیز برآورده می‌کرد (۲). در خلال این سال‌ها، بیمارستان دارای دو درمانگاه در شهر بود؛ یکی در یوسف آباد و دیگری در خیابان ری. این دو درمانگاه یکی صبح‌ها و دیگری بعد از ظهرها بیماران سرپایی را می‌پذیرفت و بیماران معمولاً پس از ترخیص از بیمارستان، به این دو درمانگاه

فرستاده می‌شدند تا بقیه درمان‌های خود را به طور سرپایی دریافت نمایند (۷).

با توجه به محدودیت‌هایی که ساختمان‌های ضلع جنوبی جاده امین آباد برای نگهداری و درمان بیماران داشت، فعالیت برای توسعه بیمارستان در اراضی شمال جاده امین آباد آغاز گردید و به مرور از سال ۱۳۴۴ برخی بناهای آموزشی و درمانی در آن قسمت ایجاد شد و مورد استفاده قرار گرفت. بعدها و پس از تأسیس وزارت بهداشتی و بهزیستی در سال ۱۳۵۵، این بیمارستان در اختیار انجمن توان‌بخشی که اداره‌ای مستقل و در عین حال وابسته به وزارت بهداشتی و بهزیستی بود، قرار گرفت و در سایه تحولاتی که در آن زمان صورت گرفته بود، ساختمان‌های مربوط به دهکده روانی تکمیل گردید و به طور کلی بخش‌های پایین (در قسمت جنوبی جاده امین آباد) به ساختمان‌های جدید (در شمال جاده) انتقال یافت (۱۱، ۱۰).

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷، بیمارستان زیر نظر سازمان منطقه‌ای بهداشتی و بهزیستی استان تهران به فعالیت خود ادامه داد و اقدامات آموزشی، فرهنگی و درمانی بسیاری در عرصه خدمات روانپزشکی در آن صورت گرفت. طیف گسترده‌ای از فعالیت‌ها از جمله تربیت دانشجویان گروه‌های مختلف پزشکی، برگزاری کنفرانس‌های علمی، بازدیدهای علمی و آموزشی، تشکیل کلاس‌های بازآموزی و چاپ انواع نشریات عمومی و تخصصی از جمله این فعالیت‌ها بوده است. لازم به یادآوری است که پیشنهاد نامگذاری ایامی از سال به عنوان «هفته بهداشت روانی» برای اولین بار توسط مسؤولان این بیمارستان ارائه شد و مورد تصویب وزارت متبوع قرار گرفت (۱۱).

در آن سال‌ها، بخش‌های درمانی با عناوین فعال، توان‌بخشی، نیمه‌توان‌بخشی، و نگهداری نامگذاری شد و پزشکان هر یک از این بخش‌ها به اقدامات درمانی و توان‌بخشی خاص بیماران خود می‌پرداختند. با تشکیل و گسترش فعالیت کارگاه‌های توان‌بخشی، شرط انصاف آن است که این روزگار را، دوران طلایی فعالیت کارگاه‌های توان‌بخشی بیمارستان به حساب آوریم.

واگذاری اداره امور «بیمارستان روانپزشکی رازی» به دانشگاه

علوم بهزیستی و توان‌بخشی

پس از تشکیل وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و چند ماه بلا تکلیفی، بالاخره بیمارستان روانپزشکی رازی در

و درمان از جمله پرستاران، روانشناسان، مددکاران و کاردرمانگرها همگام با دیگر کارکنان بیمارستان خدمات گسترده و متنوع روانپزشکی را به بیماران روانی و خانواده‌های آنان عرضه می‌نمایند (۱۱).

همچنان که در تمام طول سال‌های فعالیت بیمارستان، کمک‌های انسان‌دوستانه مادی و معنوی خیرین همواره همراه و کمک‌حال مسئولان آن بوده است، در سنوات اخیر نیز نیکوکاران، به ویژه با مرمت و احداث بناهای گوناگون، ضمن بهبود و توسعه فضاهای فیزیکی بیمارستان، قدم‌های مؤثری در خدمت‌رسانی مناسب‌تر به بیماران و خانواده‌های آنها برداشته‌اند.

وضعیت موجود بیمارستان آموزشی درمانی روانپزشکی رازی

بیمارستان آموزشی درمانی روانپزشکی رازی با وسعت ۱۰۳ هکتار در حال حاضر دارای چهار بخش فعال آموزشی، پنج بخش فعال درمانی، دوازده بخش مراقبتی درازمدت برای بیماران روانپزشکی با سیر طولانی (مشهور به بلوک یا پردیس)، یک بخش فوق تخصصی کودک و نوجوان، یک بخش داخلی و مغز و اعصاب، دو کارگاه توان‌بخشی بزرگ مخصوص زنان و مردان، یک درمانگاه روانپزشکی، اورژانس ۲۴ ساعته روانپزشکی و دو فضای ورزشی بزرگ است. بخش‌های سالمندان و مرکز پژوهشی نوروساینس و سایکوز هم در حال راه‌اندازی است.

تعداد تخت‌های مصوب روانپزشکی بیمارستان در حال حاضر ۱۳۷۵ تخت و ضریب اشغال تخت حدود ۸۵ درصد است. از تعداد تخت‌های موجود، حدود ۲۲۰ تخت به بیماران زن و ۴۰ تخت هم به کودکان و نوجوانان تعلق دارد و باقیمانده در اختیار بیماران مرد است. در هر بخش درمانی و آموزشی تیم کامل درمانی شامل روانپزشک، روانشناس بالینی، روانپرستار، مددکار اجتماعی و کاردرمانگر حضور دارند و زیر نظر رئیس بخش به فعالیت درمانی و آموزشی مشغول هستند.

در مجموع هفده روانپزشک عضو هیئت علمی (یک استاد، شش دانشیار و ده استادیار)، بیست و سه روانپزشک کادر درمان، دو متخصص داخلی، دو متخصص مغز و اعصاب، یک متخصص بیهوشی، یک دکترای علوم آزمایشگاهی، یک داروساز، سه دندانپزشک و دوازده پزشک عمومی به فعالیت مشغول‌اند. تعداد کنونی دستیاران روانپزشکی سی و یک نفر است. به تعداد کل پزشکان مرکز

سال ۱۳۷۳ به سازمان بهزیستی واگذار شد. دانشگاه علوم بهزیستی و توان‌بخشی که در آن زمان زیر نظر سازمان بهزیستی فعالیت می‌کرد، با استقرار گروه روانپزشکی در بیمارستان و ارائه فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی همراه با جذب و تربیت دستیاران روانپزشکی، آغازگر فعالیت علمی با نگاهی نو بود. به دنبال واگذاری بیمارستان به دانشگاه و با توجه به توسعه فضاهای آموزشی و پژوهشی، راه‌اندازی کتابخانه‌های تخصصی در حوزه روانپزشکی، دایر کردن سایت‌های اینترنتی، آغاز به کار برخی مراکز تحقیقاتی از جمله مرکز تحقیقات بالینی و نیز استقرار واحد بین‌الملل دانشگاه متبوع، بیمارستان و دانشگاه وارد مرحله تازه‌ای از انجام رسالت‌های آموزشی، پژوهشی و درمانی خود در کنار سایر دانشگاه‌های پایتخت گردید. هم‌اکنون دانشجویان رشته‌های مختلف مانند روانشناسی، کاردرمانی، مددکاری و پرستاری در مقاطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری تخصصی از دانشگاه‌های مختلف شهر تهران و حتی دانشگاه‌های استان‌های هم‌جوار، برای طی کردن دوره‌های آموزشی و پژوهشی، انجام کارهای تحقیقاتی و اجرای پایان‌نامه‌های خود و یا سپری نمودن دوران کارآموزی و کارورزی از بستر مناسب آموزشی و پژوهشی این بیمارستان استفاده می‌کنند. طی چند سال گذشته، بخش فوق تخصصی روانپزشکی اطفال و درمانگاه تخصصی سوء مصرف مواد در بیمارستان راه‌اندازی شد و بخش‌های دیگری مانند روانپزشکی سالمندی در مراحل آماده‌سازی برای افتتاح قرار دارد. درمانگاه داخل شهر، همچنان برای مراجعان سرپایی و بیماران ترخیص شده از بیمارستان برای پیگیری درمان دایر بوده و بخش اورژانس در کنار در ورودی بیمارستان در سال‌های اخیر مورد بهره‌برداری قرار گرفته است. عده‌ای از بیماران پس از ترخیص، برای استفاده از خدمات کارگاه‌های توان‌بخشی، به صورت روزانه به بیمارستان مراجعه می‌کنند. برنامه‌های ارائه خدمات مراقبت از بیماران روانی در منزل توسط پرسنل بیمارستان به تناوب اجرا شده و می‌شود.

هم‌اکنون دانشگاه علوم بهزیستی و توان‌بخشی در راستای رسالت خود و در مسیر ارتقای رفاه، سلامت و بهداشت روانی آحاد جامعه و ارائه خدمات درمانی و توان‌بخشی به بیماران روانپزشکی، چشم‌انداز «قطب تخصصی سلامت روان» را برای «مجمع بیمارستانی آموزشی درمانی روانپزشکی رازی» تبیین نموده و با این رویکرد، روانپزشکان عضو هیئت علمی و پزشکان کادر درمان در کنار دیگر اعضای تیم بهداشت روان

دقیقی است که پس از گذشت هفتاد سال هنوز تازگی مطالب آن حس می شود؛ انگار که مشکلات امروزین بیمارستان‌های روانپزشکی به رشته تحریر در آمده باشد. این تازگی، تلخ است و شاید بهتر باشد که علت آن را نیز در دل تاریخ بیمارستان جست‌وجو کنیم؛ آن‌جا که دکتر حسین رضاعی، روزگاری چنین شنیده بود: «...هر وقت من در ملاقات با مردم تخصص خود را اعصاب و روان بیان می‌کردم، چیزی از آن نمی‌فهمیدند. ناگزیر بودم بگویم من طیب دیوانگان هستم و دیوانگان را معالجه می‌کنم؛ شنونده لبخندی می‌زد و می‌گفت: خدا عاقبت را به خیر کند...» (۲).

[بنا به اظهار نویسنده مسئول مقاله، حمایت مالی از پژوهش و تعارض منافع وجود نداشته است].

منابع

1. Nadjmabadi M. History of Medicine in Iran and Islamic Worlds. Tehran: University of Tehran Press; 1992.
2. Davidian H. The development history of modern psychiatry in Iran. Tehran: Arjmand Press; 2008.
3. Tajbakhsh H. Hospital's history of Iran (from the beginning to the present time). Tehran: Institute for Humanities and Cultural Studies; 2000.
4. Aljrjany I, to try Afshar I. Remember kharazmshahi. Tehran: University of Tehran Press; 1965.
5. Shahri J. Social History of Tehran in the thirteenth century, life and business. Tehran: Institute of expressive culture; 1999.
6. Mirsepari A. Firms lunatic asylum Calendar. Tehran: University of Tehran Press; 1946.
7. Mirsepari A, Nezam A, Bigdeli M. Occurring mental illness and statistical analysis. Tehran: kavian Press; 1965.
8. Kraus G. Mental Health in Iran. Tehran: Taban Press; 1956.
9. Farmanfarmaian S. Daughter of Persia. Tehran: Karang Press; 1946.
10. Public Relations of University of Social Welfare and Rehabilitation Sciences. 67 years working in the field of Treatment, Education, Research and Rehabilitation in Razi Psychiatric Center. Tehran: Company Daroupakhsh; 1985.
11. Babapour J. History and introduction Razi Psychiatric Center. Tehran: Mir Press; 2008.

باید ۴۱۰ نیروی پرستاری و مامایی، ۴۸ روانشناس بالینی، ۳۲ کاردرمانگر، ۲۸ مددکار اجتماعی و دو فیزیوتراپیست اضافه کرد. تعداد کل نیروهای درمانی و پشتیبانی مرکز در حال حاضر ۹۶۰ نفر است.

سخن پایانی

آن چه گذشت، خلاصه‌ای از سرگذشت بیمارستانی بود که در طول نزدیک به یک قرن ارائه خدمات روانپزشکی خود به جامعه ایرانی، همواره مورد قضاوت‌های گوناگون از طرف شخصیت‌های حقیقی و حقوقی قرار گرفته است؛ بیمارستانی که هم‌اکنون به عنوان بزرگ‌ترین بیمارستان روانپزشکی خاورمیانه با پذیرش بیش از یک‌هزار و دو‌یست بیمار در هر زمان، نقش قابل ملاحظه‌ای در درمان و توان‌بخشی بیماران روانپزشکی کشور عهده‌دار است. قضاوت‌های متفاوت در مورد بیماران روانی شاید نه به دلیل ظرف و مظروف بیمارستان و بیمار، بلکه به دلیل ماهیت اختلالات روانی باشد که این بیماران نه تنها در کوچه و خیابان مورد تمسخر و سنگ‌پرانی افراد ناآگاه واقع می‌شدند و هنوز هم می‌شوند، بلکه دلسوزان و افراد آگاه اروپایی قرون وسطی نیز «دیوانگان» را مأمون شیاطین می‌دانستند و برای وادار کردن ارواح خبیثه به ترک بدن «جن‌زدگان» انواع آزارها و شکنجه‌ها را نسبت به آنان روا می‌داشتند. این جفا نه تنها به تن‌های نحیف و رنجور بیماران روانی غالباً روا داشته شده است، بلکه سرنوشت محتوم بیمارستان‌های روانپزشکی و امور وابسته به بیماران روانی نیز عموماً همین بوده است که در صف نوبت استفاده از تسهیلات و خدمات به عقب رانده می‌شوند و هرگاه نیز نوبت به آنها می‌رسد «کفگیر به ته دیگ خورده است!» واقعیت آن است که به سختی بتوان مشکلات اداری و مضیقه مالی و نظایر آنها را موانع اصلی بهبود بخشیدن به وضع بیماران روانی دانست. جنون را دردی بی‌درمان انگاشتن و مجنون را همچون درختی بی‌ثمر دانستن، گاه چنان در اذهان برخی ریشه می‌دواند که صرف هر نوع هزینه برای آنان مانند «آفتابه خرج لحیم کردن» تلقی می‌گردد و به هر حال مظلومیت بیماران روانی هنوز آن‌قدر هست که بسیاری از بیمارستان‌های کشور از اختصاص چند تخت خود به بخش روانی استنکاف می‌ورزند و این بیماران برای دریافت خدمات روانپزشکی گاه مجبور به جلای شهر و دیار خود می‌شوند.

سالنامه تیمارستان که در سال‌های ۱۳۲۵ و ۱۳۲۶ به قلم دکتر عبدالحسین میرسپاسی نگاشته شده است حاوی نکات